



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اصول الفقه (عام و خاص)

استثناء بعد از چند جمله

جلسه ۱۲۶

استاد نجار زاده

استثناء بعد از چند جمله

اقوال در این مسئله:

۱. از ظاهر کلام این طور به دست می آید که استثناء به خصوص جمله اخیر راجع است؛ اگرچه تعلقش به غیر آن نیز ممکن است؛ ولی این امری است که محتاج به قرینه می باشد و مادامی که قرینه خاصه ای قائم نشده، دلیلی بر ارجاعش به غیر اخیر در دست نیست.
۲. ظاهر کلام مقتضی است که استثناء مزبور به تمام جملات قبل راجع باشد و تخصیص دانش به خصوص جمله اخیر، نیازمند به قرینه است؛ لذا تا چنین قرینه ای قائم نشده، لازم است آن را به تمام جملات ارجاع دهیم.
۳. کلام در رجوع به هیچکدام ظاهر نبوده؛ اگرچه تعلقش به جمله اخیر به هر تقدیر متیقن است؛ زیرا امر مردّد است بین آن که تنها به اخیر راجع بوده یا به جمیع؛ پس علی ای حال، جمله اخیر یقیناً مورد تخصیص می باشد؛ ولی کلام نسبت به غیر آن، مجمل است؛ به این معنا که محتمل است عام در جملات دیگر، به عموم خود باقی بوده؛ کما اینکه امکان تخصیص خوردن را دارند؛ چه آنکه در کلام؛ چیزی که برای قرینیت تخصیص عام صلاحیت داشته باشد وجود دارد؛ از این رو، برای غیر جمله اخیر، یعنی جملات دیگر، هیچ ظهوری در عموم منعقد نشده؛ لاجرم اصالة العموم را نمی توان در آنها جاری کرد.
۴. بین موارد باید تفصیل داد:



مرکز مجاز امام صادق (ع)

الف. اگر موضوع یکی بوده و در هر کدام علی حدّه ذکر نشده؛ بلکه تنها در صدر کلام مذکور باشد؛ نظیر اینکه می گوئید: احسن الی الناس و احترامهم و اقض حوائجهم الّا الفاسقین. استثناء به همه جملات باز می گردد.

ب. اگر موضوع، در هر کدام به طور جداگانه ذکر شده؛ مانند آیه کریمه‌ای که قبلاً ذکر شد (اگر چه I m a m S a d i q . t v در معنا، موضوع تمام یکی باشد)؛ حکم این است که استثناء به تمام راجع نیست.

اشکال:

در جمله، «مایصلح للقرینیه»، استثناء وجود دارد و آن، مانع از انعقاد ظهور عام است.

جواب:

این اشکال صحیح نیست؛ زیرا به حسب فرض، متکلم، موضوع را در هر کدام از جملات به طور علی حدّه تکرار نموده و سپس به دنبال جملگی به یک استثناء اکتفاء کرده و همان طوری که گفتیم، استثناء محتاج به موضوع و محلی است که به آن تعلق بگیرد و این معنا نسبت به جمله اخیر صادق بوده و استثناء پس از رجوع به آن، محلّ خود را اخذ کرده و در آنجا مستقرّ می گردد؛ حال اگر بخواهیم آن را به جمیع ارجاع دهیم، می باید قرینه‌ای بر این معنا نصب کنیم؛ زیرا در غیر این صورت، به بیان مراد، اخلال وارد کرده ایم و با این تقریر، معلوم می شود که در کلام، هیچ اجمالی نبوده و جائی برای تحیر نمی باشد؛ چه آنکه عام اخیر قطعاً تخصیص خورده و دیگر عمومات مجرای اصالة العموم می باشند.

این قول (یعنی قول چهارم)، بر تمام اقوال ترجیح داشته و به واسطه اش می توان بین کلمات علماء جمع

نمود؛ لذا به نظر مصنف، اختلاف لفظی است. I m a m S a d i q . t v